

چرتکه

پیش‌نیازهای دولت هوشمند

اقتصاد– جایگزینی رویکرد مشارکتی به جای کارفرمایی در رابطه میان دولت و بخش خصوصی، تنظیم استانداردهای مشترک برای جمع‌آوری، ذخیره، مدیریت و به اشتراک‌گذاری داده‌های دولتی، استفاده از بسترهای ملی نظیر مرکز ملی تبادل اطلاعات، بلوغ بالای سازمانی و لزوم تغییر نگرش و اصلاح فرهنگ باز سازمانی از پیش‌نیازهای ایجاد دولت پلتفرمی است. به گزارش ایسنا، در گذشته جوامع حالت مکانیکی داشتند و برهمین اساس سازوکارهای جامعه‌پذیری و کنترل هنجاری به‌منظور تثبیت نظم اجتماعی کافی بود و متناسب با آن، شعاع اعتماد مورد نیاز محدود بود. اما با پیچیده‌تر شدن جوامع، ناگزیر انواع اعتماد ازجمله اعتماد به دولت و اعتماد به نهادهای سیاسی در بطن نیازهای جامعه خودنمایی می‌کند. اعتماد به‌عنوان کاتالیزوری قوی برای رشد اقتصادی، بهره‌وری، توسعه، نوآوری، موفقیت در سطح سازمانی و کشوری و عوامل رشد، تعمیم داده می‌شود. آن‌گونه که متخصص امر می‌گویند، وقتی سخن از اعتماد عمومی به میان می‌آید یعنی عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه، به انتظارات آن‌ها پاسخ دهند. به‌عبارت دیگر، اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت مثبت پاسخ به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند.

محققان کشورمان در همین راستا و برای ارتقای اعتماد عمومی شهروندان، نقش عواملی چون «حکمرانی خوب» و «خدمات دولت الکترونیکی» مورد بررسی علمی قرار داده‌اند.

امروزه پنجره ملی خدمات دولت هوشمند با ارائه صدها خدمت، مردم را بی‌نیاز از تبدلات کاغذی کرده است و سکوهای داخلی، هر روز نقش پر رنگ‌تری را در اقتصاد دیجیتال کشور به خود اختصاص می‌دهند.

در همین رابطه چندی پیش اعلام شد که بر اساس تکالیف قانونی، امسال باید ۲۰ درصد خدمات دستگاه‌های دولتی کاملاً بصورت هوشمند ارائه شود یعنی مردم و ارباب‌رجوع نه مراجعه حضوری به دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمت داشته باشند، نه هیچ مدرکی از آن‌ها مطالبه شود و نه کارمندی در ارائه خدمت نقش داشته باشد و خدمت موردنظر کاملاً برخط ارائه شود.

همچنین با ارائه گزارش نظارتی حوزه کلان هوشمندسازی دستگاه‌های دولتی مشخص شد که براساس آن میزان کاربران ثبت نام کرده و دریافت‌کننده خدمات از پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، ۲۸ میلیون نفر اعلام شد.

اخیرا محمد خوانساری–معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران– در همایش پیشرفت‌های معماری سازمانی ایران با محوریت حکمرانی دیجیتال که در پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات برگزار شد، ضمن معرفی پروژه‌های این سازمان، چگونگی توسعه معماری دولت هوشمند را تشریح کرد و به تبیین معماری سازمانی در استقرار رویکرد پلتفرمی دولت پرداخت.

وی توسعه دولت هوشمند را فصلی تازه در ماموریت‌های سازمان فناوری اطلاعات ایران دانست که از دو سال گذشته آغاز شده است و افق روشنی را در پیش دارد.

خوانساری با اشاره به ویژگی‌های توسعه معماری دولت هوشمند از گذار دولت الکترنیکی به دولت دیجیتال و سپس دولت هوشمند گفت: در دولت الکترونیکی، فناوری اطلاعات در ارایه خدمات به مردم مورد استفاده قرار می‌گرفت. پس از مدتی با دیجیتالی شدن دولت، فناوری اطلاعات در خدمت ایجاد، بهینه‌سازی و تحول خدمات دولتی قرار گرفت.

اما در دولت هوشمند، خدمات به شکلی ساده، نوآورانه و با شیوه‌ای درست به مردم ارایه می‌شوند و دارای دو قابلیت اساسی هستند. در نوع نخست، درخواست از جانب خدمت‌گیرنده بدون پرداختن به پیش‌نیازها مطرح می‌شود و نیازی نیست شهروند به دنبال درخواست خود در دستگاه‌های دولتی حرکت کند.

در مدل دوم و به عبارتی پیشرفته‌تر دولت هوشمند، خدمات بر مبنای استحقاق مردم ارایه می‌شوند و به اعلام درخواست شهروند کاری ندارند و خود به خود بر اساس نیاز افراد جامعه کلید می‌خورند. در این باره رییس سازمان فناوری اطلاعات ایران، خدمات، حاکمیت، داده و فناوری را چهار بعد اصلی معماری سازمانی در توسعه دولت هوشمند بیان کرد و از چندین پروژه این سازمان از جمله، پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، مرکز ملی تبادل اطلاعات و ابر دولت به عنوان مصادیقی مرجع در معماری دولت هوشمند یاد کرد.

معاون وزیر ارتباطات، دولت پلتفرمی را به مثابه سکویی نوآور برای ارایه خدمات عمومی تشبیه کرد که به جای انتقال قدرت درصدد تبادل ارزش است و نقش هماهنگ‌کننده، تنظیم‌گر و توانمندساز را بر دوش می‌کشد.

وی درباره پیش‌نیازهای ایجاد دولت پلتفرمی اظهار کرد: جایگزینی رویکرد مشارکتی به جای کارفرمایی در رابطه میان دولت با بخش خصوصی، تنظیم استانداردهای مشترک برای جمع‌آوری، ذخیره، مدیریت و به اشتراک‌گذاری داده‌های دولتی، استفاده از بسترهای ملی نظیر مرکز ملی تبادل اطلاعات، بلوغ بالای سازمانی و لزوم تغییر نگرش و اصلاح فرهنگ باز سازمانی از پیش‌نیازهای ایجاد دولت پلتفرمی است.

خوانساری، هم چنین اقدامات سازمان فناوری اطلاعات ایران در حوزه برنامه‌ریزی برای دولت پلتفرمی را در شش عنوان برشمرد و بیان کرد: توسعه سکوی انتشار وب‌سرویس‌های دولت برای بخش خصوصی، تفکیک مرکز ملی تبادل به دو بخش **GSB** و **PGSB**، توسعه و تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی ملی و تبادل اطلاعات، تغییر نگرش به رویکرد پلتفرمی در سامانه‌های کلان دولت مانند سامانه پنجره واحد مدیریت زمین، ارائه سرویس های پایه چون احراز هویت و سراسری و راه اندازی پروژه ابر دولت به عنوان زیرساختی برای اشتراک منابع، اقداماتی در زمینه برنامه ریزی برای دولت پلتفرمی به شمار می‌روند. وی آخرین وضعیت توسعه‌ای و آماری اقدامات و پروژه‌های سازمان فناوری اطلاعات از جمله پنجره واحد مدیریت زمین، پنجره واحد صدور مجوزهای کسب و کار کشور، پنجره واحد خدمات دولت هوشمند، مرکز ملی تبادل اطلاعات، کارپوشه ملی ایرانیان، ابردولت و ایجاد اپراتورهای خدمات رسان دولت هوشمند را تشریح کرد و آنها را بهترین سرمشق و الگو در حوزه معماری سازمانی در کشور دانست که حکمرانی دیجیتال در آن به شکل قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

{اقتصاد}



کارمندان بانک‌ها همچنان در راس وام گیرندگان

وام برای خودی‌ها

امیررضا محمدی

تورم را همچنان می‌توان را اساسی‌ترین چالش اقتصاد ایران دانست. چالشی که یک ریشه آن، ناترازی نظام بانکی و ریشه دیگر آن، ناترازی بودجه دولت است. هزینه‌های سرسام‌آور دولتی، در نهایت کسری بودجه و چاپ پول را به دنبال داشته که نتیجه آن رشد نرخ تورم است؛ ضمن اینکه ناکارآمدی و کارکرد نادرست نظام بانکی، خلق نقدینگی را به دنبال داشته که نتیجه آن، تحمیل تورم‌های بالا به اقتصاد است.

در دنیا قوانین بسیاری وجود دارند که نظام بانکی را در کارکرد صحیح آن یاری می‌کنند؛ قوانینی که پس از سال‌ها تجربه بانکداری در سرتاسر دنیا به دست آمده است. با این حال، بسیاری از این قوانین در ایران اجرا نمی‌شوند و یا تعاریف نادرستی دارند. در واقع نظام بانکی در ایران نتوانسته خود را با تجربیات جهانی به روز کند و کارکرد درستی داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام بانکی در هر کشور، تخصیص منابع به بهینه‌ترین بخش‌ها در اقتصاد است. در واقع در اقتصاد، نیازهای نامحدودی به منابع وجود دارد؛ اما منابع موجود محدود هستند که بخش قابل توجهی از فرآیند تخصیص این منابع محدود، توسط نظام بانکی صورت می‌گیرد؛ هر چند قوانین نادرست و نبود برخی از قوانین، باعث شده تا این فرآیند تخصیص به درستی اتفاق نیافتد.

وام دادن بانک‌ها به خودی‌ها

در این میان، یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام بانکی در هر کشور، تخصیص منابع به بهینه‌ترین بخش‌ها در اقتصاد است. بانک، این منابع را با قیمتی معادل نرخ بهره، در بخش‌های مختلف اقتصاد توزیع می‌کند. در شرایطی که نرخ بهره سرکوب شده باشد، دریافت وام نوعی رانت محسوب می‌شود؛ چراکه افراد، قیمت واقعی پول را نمی‌پردازند و به نوعی در حال دریافت پارانهِ هستند.

همچنین در شرایطی که بانک‌ها در حال دریافت کمک‌های بسیاری از سمت بانک مرکزی هستند، دیگر به ریسک وام‌دهی خود فکر نمی‌کنند؛ بنابراین در صورتی که تسهیلات بازگشت داده نشود و بانک مرکزی از بانک حمایت کند، بانک انگیزه‌ای ندارد تا منابعش را به بهینه‌ترین بخش‌ها اختصاص دهد. حال با توجه به دو شرط فوق، امکان وقوع یک مخاطره اخلاقی وجود دارد. موردی که در نظام‌های بانکی نوین در دنیا، موضوعی غیرقانونی به شمار می‌رود؛ هر چند در ایران نه تنها این کار قانونی است، بلکه آمار آن توسط بانک مرکزی و هر بانک منتشر می‌شود. این معضل، وام دادن بانک به افراد مرتبط با خود است.

در واقع در شرایطی که اعطای وام نوعی توزیع رانت به حساب می‌آید، بانک‌ها این انگیزه را دارند تا منابع را بین افراد مرتبط با خود توزیع کنند که لزوماً بهینه‌ترین بخش‌های اقتصاد نیستند. این مساله باعث می‌شود تا بخش‌های بهینه با کمبود نقدینگی مواجه شده و نتوانند به فعالیت ادامه دهند و از سوی دیگر، افرادی که با بانک در ارتباط هستند بتوانند از منابع ارزان قیمت استفاده کنند. این امر امکان رشد اقتصادی را به خطر می‌اندازد و باعث می‌شود یک اقتصاد مولد، به یک اقتصاد رانتی تبدیل شود. در ادبیات

پول

نکول استراتژیک داشته باشیم.

نکول استراتژیک چیست؟ زمانی که شخصی توانایی مالی بازپرداخت بدهی‌های خود را دارد، اما آن را به عمد پرداخت نمی‌کند، نکول استراتژیک رخ می‌دهد. در واقع در اینجا دریافت وام، نوعی راه برای کسب ثروت‌اندوزی به حساب می‌آید. علی‌الخصوص در شرایط تورمی.

چرا در ایران نکول استراتژیک داریم؟ بر خلاف وام‌گیرندگان خرد، که قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای دریافت و بازپرداخت وام برای آن‌ها وجود دارد، وام‌گیرندگان کلان دردسری کم‌تری در بازپرداخت وام‌های خود دارند.

به عنوان مثال، اگر کسی ۱۰۰ میلیارد تومان وام دریافت کرده و کارخانه‌ای تأسیس کند (فارغ از اینکه واقعا آن پول را در کارخانه خرج تولید کند و یا وارد بازارهای دارایی کند، در صورتی که بدهی‌های خود را بازپرداخت نکند، به آن جرمیه‌ای تعلق گرفته و در دفاتر بانک به عنوان بدهی معوق دریافت‌کننده وام و یا وام جدید ثبت خواهد شد.

نرخ بهره حقیقی منفی نیز شدیداً انگیزه بازنگرداندن تعمدی بدهی را بالا خواهد برد. در شرایط تورمی، فرد می‌تواند وام خود را صرف خرید دارایی‌هایی کند که با تورم بالا می‌رود و یا حتی آن را صرف خرید کالاهای سرمایه‌ای کارخانه خود کند بدون این‌که به فکر بازپرداخت بدهی‌های خود باشد (قیمت کالاهای سرمایه‌ای یک کارخانه با تورم افزایش میابد). در طی زمان، به دلیل تورم و کاهش ارزش پول، ارزش بدهی وی نیز کاسته می‌شود. با این حال، به دلیل بالا رفتن نرخ تورم ارزش وام دریافتی فرد که صرف خرید کالاهای سرمایه‌ای شده تغییری نمی‌کند و حتی بیشتر می‌شود.

در واقع نرخ بهره حقیقی منفی (نرخ بهره منهای نرخ تورم)، به ابزاری بی دردرس برای ثروت‌اندوزی تبدیل شده و شدیداً انگیزه نکول استراتژیک را بالا می‌برد.

حال فرض کنید گیرنده وام، خود صاحب بانک و یا با آن مرتبط باشد. در واقع در این شرایط بانک دیگر انگیزه‌ای نخواهد داشت که به دنبال منابعی برود که بازپرداخت نشده‌اند. چراکه از سویی قوانین مربوط به ساختار بنگاه‌ها شرایط را برای بازپرداخت وام‌ها سخت می‌کند، و از سوی دیگر شکایت بانک از شرکت زیر مجموعه خودش به دلیل عدم بازپرداخت وام منطقی بنظر نمی‌رسد. چه کسی با عنوان عدم بازپرداخت اقساط از خود شکایت می‌کند؟ بنابراین در این شرایط ریسک نکول استراتژیک تا حد بسیار زیادی بالا می‌رود.

نظام بانکی کشور در خطر جدی

باید توجه داشت بانک‌ها مصادیق بارز **Too Big To Fail** هستند و ورشکستگی آن‌ها عواقب بسیار خطرناکی برای نظام اقتصادی یک کشور دارد. گرچه بانک مرکزی هر کشور در شرایط نا به سامان بانکی مجبور به حمایت از بانک‌های در معرض ورشکستگی هستند، اما باید توجه داشت که این موضوع تنها خطر را به صورت موقت دور کرده، و نه تنها تاوان آن را به آینده محول می‌کند، بلکه محقق شدن این خطر در آینده عواقب بسیار جدی‌تری نسبت به زمان حال دارد. در واقع ادامه شرایط فعلی، تنها مشکلات نظام بانکی را بیشتر از پیش می‌کند.

همچنین انجام اصلاحات اقتصادی در این حوزه مخاطرات بسیاری دارد و باید با احتیاط انجام شود. اما هرچه این اصلاحات به تعویق بیفتد، مخاطرات انجام آن از گذشته بیشتر می‌شود. بنابراین انجام اصلاحات در قوانین بانکی کشور اجتناب‌ناپذیر است و بهتر است هرچه سریع‌تر انجام شود.

تجربه تایلند

قوانین نظام بانکی مدرن، همواره با توجه به بحران‌های مختلف تکامل یافته‌اند. در واقع هر قانونی که می‌بینیم، زمانی تجربه‌های مختلفی را در گذشته پشت سر گذاشته است. کشور تایلند، یکی از نمونه‌هایی است که وام بانک‌ها به خودی‌ها در آن مشکلات بسیاری آفرید.

مقالات متعددی نشان می‌دهند که تخصیص منابع بانکی به شرکت‌های مرتبط با ایشان، بهره‌وری کل در اقتصاد را به میزان چشم‌گیری کاهش داده است. همچنین بسیاری از این وام‌ها بازگردانده نمی‌شد که سبب خلق نقدینگی غیر قابل امحا می‌شد. منابع مختلف بیان می‌کنند که شرکت‌ها در تایلند اقدام به تأسیس بانک می‌کردند تا بتوانند به خود وام بدهند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد بسیاری از این وام‌ها نه تنها وارد بخش تولیدی خود شرکت‌ها نمی‌شد، بلکه صرف سرمایه‌گذاری در بخش املاک و مستغلات می‌شد. همچنین بانک‌ها نیز به دنبال تصرف مالکیت شرکت‌ها بودند تا بتوانند از این طریق به پروژه‌هایی که مرتبط با خودشان است وام بدهند. البته بسیاری از این وام‌ها نیز به بانک باز نمی‌گشت و صرف سرمایه‌گذاری در بخش املاک و مستغلات می‌شد.

به عنوان مثال تخمین‌های یک مقاله نشان می‌دهد در شرایط مشابه با تایلند، در کشورهایی که وام‌های بانکی در آن مشکل تعارض منافع وجود نداشت و وام‌ها بر اساس کیفیت شرکت‌ها اعطا می‌شدند، بهره‌وری به میزان ۳۰ الی ۵۰ درصد، و یا ۴۰ الی ۶۰ درصد با توجه به منطقه مورد مطالعه بیشتر از کشور تایلند بود. همچین مطالعات نشان می‌دهد تعارض منافع موجود در نظام بانکی، نقشی اساسی در تعمیق بحران مالی در این کشور داشته است.

نکته حائز اهمیت آن است که نتایج فوق از مقالات مختلف برداشته شده و جهت سادگی برای مخاطب، از آوردن مدل‌های ریاضی و داده‌های استفاده شده در مقالات خودداری شده است.

دلایل حمله به طرح طبقه‌بندی مشاغل

با جایگاه و کارایی نیروی کار را بیش از سطح حداقلی مزد مصوب شورای عالی کار پرداخت کنند، بخش قابل توجهی از نمایندگان کارفرمایی با اجرای این قانون مخالف هستند.

این عضو اتاق بازرگانی که نمایندگان جناح کارفرمایی در شورای عالی کار را برعهده دارد، در مطلبی پیرامون این قانون نوشته است: «طرح طبقه‌بندی مشاغل دشمن بهره‌وری نیروی کار است، امیدواریم به زودی با تصمیم شجاعانه سیاستگذاران شاهد پاک شدن این وصله کمونیستی از چهره قوانین کشور باشیم.»

درخواست حذف طرح طبقه‌بندی مشاغل از قانون کار به‌عنوان «وصله کمونیستی» درحالی است که اتفاقاً طرح طبقه‌بندی مشاغل ناظر بر یک اصل ساده «خوردن آش به اندازه پول» و «هر که باماش بیش، برفایش بیشتر» است. به عبارت بهتر هیچ نوع اصل «پرداخت برابر حقوق و مزد» در مواد مربوطه در قانون کار (ماده ۴۹.۴۸ و ۵۰ این قانون) دیده نمی‌شود تا بتوانیم به آن چنین «وصله‌ای» آویزان کنیم!

فتح اله بیات (رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی و دبیراجرایی خانه کارگر شرق تهران) در این زمینه با اشاره به اینکه کارفرمایان در زمینه قانون کار نباید با الفاظ و مفاهیم بازی کنند، گفت: قانون کار یک قانون حمایتی از کارگران است و مشخصاً برای کارفرمایان نوشته نشده است. چون کارفرمایان از نظر اقتصادی توان آن را دارند که وکیل حقوقی و حمایت از منافع خود در دولت و مجامع را دارند و تشکل‌های قوی‌تری دارند، قانون کار به نفع کارگران آمده است تا مقداری در روابط کار ایجاد توازن کند.

وی با اشاره به اینکه قانون کار یکی از جامع‌ترین قوانین کشور است که پس از انقلاب تدوین شده، اظهار کرد: اغلب اظهارات جریان کارفرمایی علیه قانون کار بی‌اساس است زیرا مواد قانون کار از بهره‌کنی معانعت کرده است. اجرای طرح طبقه‌بندی نیاز ضروری نیروی کار است و یک امتیاز اضافی نیست. کرنامه انسانی اولیه کارگر بدون اجرای این طرح نقض می‌شود. اگر

^[1] با جایگاه و کارایی نیروی کار را بیش از سطح حداقلی مزد مصوب شورای عالی کار پرداخت کنند، بخش قابل توجهی از نمایندگان کارفرمایی با اجرای این قانون مخالف هستند

^[2] این عضو اتاق بازرگانی که نمایندگان جناح کارفرمایی در شورای عالی کار را برعهده دارد، در مطلبی پیرامون این قانون نوشته است: «طرح طبقه‌بندی مشاغل دشمن بهره‌وری نیروی کار است، امیدواریم به زودی با تصمیم شجاعانه سیاستگذاران شاهد پاک شدن این وصله کمونیستی از چهره قوانین کشور باشیم.»

^[3] درحالی است که اتفاقاً طرح طبقه‌بندی مشاغل ناظر بر یک اصل ساده «خوردن آش به اندازه پول» و «هر که باماش بیش، برفایش بیشتر» است

^[4] به عبارت بهتر هیچ نوع اصل «پرداخت برابر حقوق و مزد» در مواد مربوطه در قانون کار (ماده ۴۹۴۸ و ۵۰ این قانون) دیده نمی‌شود تا بتوانیم به آن چنین «وصله‌ای» آویزان کنیم!

^[5] فتح اله بیات (رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی و دبیراجرایی خانه کارگر شرق تهران) در این زمینه با اشاره به اینکه کارفرمایان در زمینه قانون کار نباید با الفاظ و مفاهیم بازی کنند، گفت: قانون کار یک قانون حمایتی از کارگران است و مشخصاً برای کارفرمایان نوشته نشده است

^[6] چون کارفرمایان از نظر اقتصادی توان آن را دارند که وکیل حقوقی و حمایت از منافع خود در دولت و مجامع را دارند و تشکل‌های قوی‌تری دارند، قانون کار به نفع کارگران آمده است تا مقداری در روابط کار ایجاد توازن کند

^[7] وی با اشاره به اینکه قانون کار یکی از جامع‌ترین قوانین کشور است که پس از انقلاب تدوین شده، اظهار کرد: اغلب اظهارات جریان کارفرمایی علیه قانون کار بی‌اساس است زیرا مواد قانون کار از بهره‌کنی معانعت کرده است

^[8] اجرای طرح طبقه‌بندی نیاز ضروری نیروی کار است و یک امتیاز اضافی نیست

^[9] کرنامه انسانی اولیه کارگر بدون اجرای این طرح نقض می‌شود